

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۸، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۴، صفحات ۹۱-۱۰۹

## عوامل بهبود مدیریت توسعه روستایی از دیدگاه مردم محلی: مطالعه

### موردی شهرستان مشگین شهر

وکیل حیدری ساریان\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۶/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۳

#### چکیده

در پژوهش حاضر، نخست، عوامل بهبود مدیریت توسعه روستایی شهرستان مشگین شهر از دیدگاه نخبگان محلی با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته شناسایی شد؛ بدین منظور، با ۳۵ نفر از ساکنان منطقه با تحصیلات دانشگاهی حداقل کاردانی مصاحبه‌های جداگانه به عمل آمد؛ سپس، برای شناخت و تحلیل دیدگاه اجتماعات روستایی و میزان توافق نظری آنها با نتایج مرحله نخست، ۴۱ علت شناسایی شده مبنای طراحی پرسشنامه به روش لیکرت قرار گرفت. جامعه آماری پژوهش شامل کل روستاییان ساکن در مناطق روستایی شهرستان مشگین شهر در سال ۱۳۹۳ بود (N=۹۰۳۵۹) که از آن میان، تعداد ۱۹۷ نفر با استفاده از رابطه کوکران به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. برای تحلیل داده‌ها، از مدل تحلیل عاملی استفاده شد؛ نتایج این مدل نشان داد که مهم‌ترین عوامل بهبود مدیریت توسعه روستایی از دیدگاه مردم محلی شامل شش مؤلفه (تقویت ظرفیت‌های شناختی، تقویت نظارت و استقلال عمل مردم محلی، تسهیل دسترسی به منابع و

---

\* دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه محقق اردبیلی (vheidari56@gmail.com).

ارتقای شاخص‌های اقتصادی، بومی‌گرایی توسعه، اعتمادسازی و رضایت‌مندی شغلی، و حکمروایی مطلوب) بوده، که مقدار واریانس و واریانس تجمعی تبیین‌شده از طریق این شش عامل ۸۹/۹۳ است. در نهایت، بر اساس نتایج تحقیق، پیشنهادهای کاربردی نیز ارائه شد.

**کلیدواژه‌ها:** مدیریت روستایی، توسعه محلی، توسعه روستایی، مشگین‌شهر (شهرستان).

\*\*\*

#### مقدمه

بررسی متون توسعه روستایی نشان می‌دهد که وجود نظام مدیریت و تشکیلات مناسب یکی از عوامل مؤثر در توسعه روستایی به‌شمار می‌رود و در کنار دیگر عوامل، با توجه به وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه، روند توسعه و رسیدن به اهداف توسعه در نواحی روستایی را آسان می‌کند (عمادی، ۱۳۷۹: ۲۹۹)؛ همچنین، ادبیات توسعه پایدار نشان می‌دهد که مدیریت روستایی فرآیندی چندجانبه شامل سه رکن دولت، مردم و نهادهای عمومی است. در این فرآیند، با مشارکت مردم و از طریق تشکیلات و سازمان‌های روستایی، برنامه‌ها و طرح‌های توسعه روستایی تدوین و اجرا می‌شود و تحت نظارت و ارزشیابی قرار می‌گیرد (بهزادنسب، ۱۳۸۶: ۸)، و مدیریت روستایی همواره باید با راهبردهای کارآمد، قدرت عمل، ابتکار در سازندگی و سیاست‌گذاری حساب‌شده همراه باشد (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲: ۲۲۹-۲۳۰).

خط‌مشی توسعه روستایی را می‌توان بهبود زندگی اجتماعی و اقتصادی روستاییان دانست که نیازمند مدیریتی کارآمد است (مهدوی و نجفی کافی، ۱۳۸۴: ۲۳). تاکنون تعاریف متعدد از مدیریت روستایی ارائه شده است. به باور طالب (۱۳۷۶)، مدیریت روستایی عبارت است از فرآیند سازمان‌دهی، هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق شکل دادن به سازمان و نهادها. افزون بر این، روستا به‌مثابه یک ساخت برای ادامه بقا نیازمند پویایی عناصر به‌هم‌پیوسته است و مدیریت، بخشی مهم و تعیین‌کننده در ارتباط با این عناصر شناخته می‌شود (حبیب‌پور گتایی و صفری شالی، ۱۳۹۰: ۸). گفتنی است در

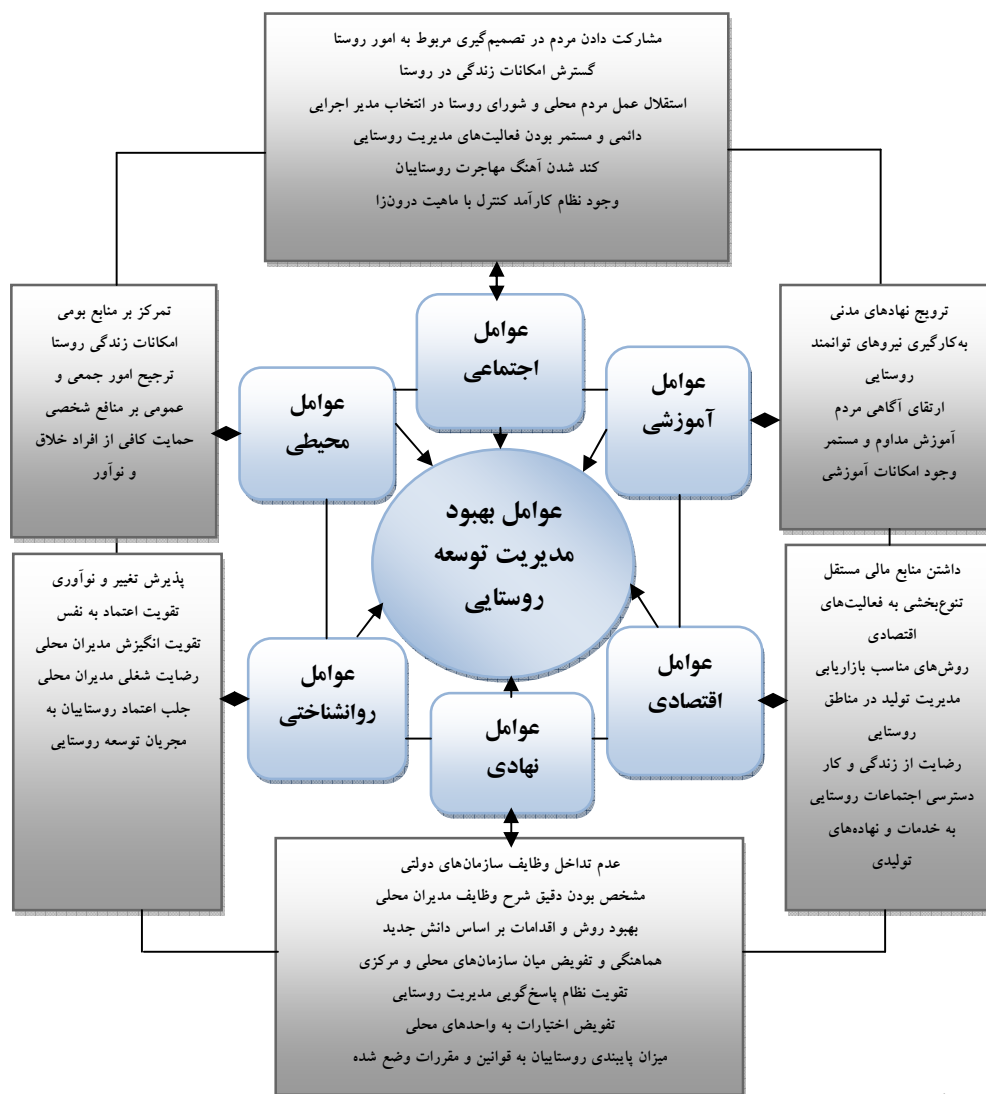
کشورهای در حال توسعه، شناسایی کارآمدترین الگوی مدیریتی برای اداره بهینه سکونت‌گاه‌های روستایی و عاملی کلیدی در مجموعه عوامل اثرگذار بر فرآیند توسعه پایدار روستایی است (فرجی سبکبار و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۵۸). بررسی اسناد نشان می‌دهد که پیرامون کنترل اجتماعی روستاها سه دیدگاه عمده وجود دارد؛ در یک دیدگاه، قدرت ناشی از ساختار سنتی است؛ در دیدگاه دوم، قدرت ناشی از گسترش نظام دیوان‌سالاری در روستاهاست؛ و در دیدگاه سوم، قدرت ناشی از مشارکت مردمی است. در دیدگاه نخست که مبتنی بر نظریه‌های ماکس وبر درباره قدرت سنتی است، جامعه‌شناسان روستایی بر این باورند که قدرت متضمن اجبار برخی از سوی برخی دیگر است؛ این اجبار ناشی از اعتقادی است که عده‌ای فرمان دادن را حق خویش بدانند و شهروندان نیز معتقد باشند که موظف به اطاعت از این اوامرنند. در این نظام، کسانی که قدرت را به کار می‌گیرند، همواره می‌کوشند ایمان به مشروعیت سلطه را به وجود آورند؛ از این رو، ارزش‌هایی را در جامعه روستایی رواج می‌دهند که موجب مشروعیت سلطه و پذیرش آن از سوی روستاییان شود (ترنر و بیگلی، ۱۳۸۴: ۲۶۷). در دیدگاه دوم، بحث درباره گسترش قدرت مشروع (اقتدار) در جامعه روستایی در چارچوب نفوذ نظام دیوان‌سالاری است؛ در اقتدار اداری، هر هنجار قانونی چه‌بسا با تصویب صحیح یک دستورالعمل به وجود آید و یا تغییر یابد. از این رو، سلطه قانونی مبتنی بر اعتقاد به یک دستورالعمل است؛ بدین معنی، قوانین زمانی از سوی مردم مشروعیت می‌یابد که مجبور به انجام آنچه شیوه مناسب تعریف می‌شود، باشند. در باور طرفداران این دیدگاه، رهبران محلی که قوانین را انتشار می‌دهند، به نظر می‌رسد وقتی حق عمل دارند که مقام و موقعیت خود را بر اساس آن چیزی به دست آورده باشند که شیوه‌های صحیح دستورالعملی تلقی می‌شود (همان منبع) در دیدگاه سوم، قدرت از راه مشارکت عامه مردم در روستاها اعمال می‌شود. بر پایه این دیدگاه که معمولاً مردم در جوامعی اقدام به مشارکت می‌کنند و می‌کوشند ابتکار عمل را به دست گیرند که از

کنترل‌های سنتی و اداری به ستوه آمده‌اند و احساس می‌کنند که هم در نظام‌های سنتی سلطه و هم در نظام‌های دیوان‌سالار بدانها ظلم شده و هیچ‌کدام از دو نظام سلطه در نهایت به نفع آنها نبوده است. در این نظام، قدرت عموماً به‌طور کلی برآیند گروه‌های نیمه‌مستقل است و گروه‌های همبسته‌شده به‌طور جمعی در کنترل اجتماعی مشارکت می‌کنند (لهسایی‌زاده، ۱۳۸۸)، و مدیریت جدید روستایی باید درک توسعه محلی، بروز ابتکارها، جمع‌گرایی و مشارکت را در دستور کار قرار دهد و قادر به تحلیل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی فضاها روستایی باشد (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲: ۲۳۰). تاکنون مطالعات اندکی پیرامون عوامل بهبود مدیریت توسعه روستایی از دیدگاه مردم محلی صورت گرفته که در پی، به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود.

میلر و بنتلی (Miller and Bentley, 2001) دریافتند که بین وجود افراد مطلع و آگاه، وجود نظام کارآمد کنترل و مدیریت با ماهیت درون‌زا و موفقیت مدیریت روستایی رابطه معنی‌دار وجود دارد. فرجی سبکبار و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «شناخت و تحلیل علل ناکارآمدی مدیریت روستایی از دیدگاه مردم محلی»، ضعف در شایسته‌سالاری، ضعف در اطلاع‌رسانی، ترجیح منافع شخصی و قومی بر منافع جمعی، ضعف در سرمایه‌های اجتماعی و انسانی، محدودیت مالی و بودجه‌ای، ضعف در آینده‌نگری و محدودیت قانونی و اجرایی را از علل ناکارآمدی مدیریت روستایی می‌دانند. مطالعات سینگ (Singh, 2004) گویای این واقعیت است که وجود ساختار مناسب اداری و تشکیلاتی، وجود امکانات و تسهیلات آموزشی و میزان آگاهی روستاییان و به بطن کشانده شدن جامعه روستایی از عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر بهبود مدیریت توسعه روستایی است. به باور واکر و لووس (Walker and Lowes, 1997)، بسترسازی برای مشارکت کلیه روستاییان در فرآیند توسعه روستایی، تمرکز بر عناصر و منابع بومی در فرآیند توسعه روستایی در قالب سرمایه انسانی و اجتماعی، دسترسی اجتماعات روستایی به خدمات و نهادهای تولید، تقویت اعتماد به نفس و خوداتکایی جوامع روستایی، ترویج شکل‌گیری

نهادهای مدنی و تفویض اختیارات به واحدهای محلی از متغیرهای تأثیرگذار در بهبود مدیریت توسعه روستایی محسوب می‌شوند. به عقیده رای (Ray, 2002)، توانمندسازی روستاییان و آموزش مستمر، نظارت مستمر، و برنامه‌ریزی هدفمند از عوامل مؤثر بر بهبود مدیریت توسعه پایدار روستایی است. رکن‌الدین افتخاری و همکاران (۱۳۸۶) ضعف مشارکت روستاییان و سلطه دولت و بازار بر فرآیند مدیریت روستایی را از عوامل مؤثر در عدم بهبود مدیریت توسعه روستایی می‌دانند. شهبازی (۱۳۸۹)، در آسیب‌شناسی مدیریت روستایی، خویشاوندگرایی و رابطه‌داری را از آسیب‌های مهم مدیریت روستایی کشور قلمداد کرده است و به‌زعم عامه، پارتی‌بازی را از جمله محدودیت‌هایی می‌داند که زمینه را برای برقراری «روابط» مخل «ضوابط» فراهم می‌سازد و به مشکلات اجرایی مدیران روستا دامن می‌زند. مطالعات ساراسنو (Saraceno, 2000) نشان داد که توسعه اقتصادی روستا، تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی، روش‌های مناسب بازاررسانی و بازاریابی و عدم رواج خرده‌مالکی و تعدد اراضی کشاورزی دارای مساحت‌های کوچک با بهبود مدیریت توسعه روستایی رابطه معنی‌دار دارند. سرانجام، چارچوب نظری تحقیق، با توجه به مرور ادبیات و پیش‌نگاشته‌های موضوع و بر اساس اهداف پژوهش، در شکل ۱ آمده است.

بررسی اسناد و مدارک نشان می‌دهد که ایران با داشتن بیش از ۶۵۰۰۰ آبادی که نزدیک به ۸۵ درصد منابع و ذخایر زیستی و طبیعی کشور را در خود جای داده‌اند، در زمره کشورهای است که برای دستیابی به توسعه روستایی و به‌دنبال آن، توسعه شهری و توسعه ملی نیازمند ایجاد نظام مدیریتی قوی در روستاهاست (ایمانی جاجرمی و پوررجب، ۱۳۸۹). در مقاله حاضر، سعی شده است تا عوامل بهبود مدیریت توسعه روستایی از دیدگاه مردم محلی در محدوده شهرستان مشکین‌شهر مطالعه و بررسی شود. همچنین، مطالعه حاضر به‌دنبال بررسی و کنکاش در زمینه این پرسش است که «عوامل بهبود مدیریت توسعه روستایی کدامند؟»؛ از این‌رو، نخست، مبانی نظری مدیریت روستایی مورد بحث قرار می‌گیرد و سپس، با ارائه مدل مفهومی، عوامل بهبود مدیریت توسعه روستایی بررسی می‌شود.



مأخذ: یافته‌های پژوهش

شکل ۱- چارچوب نظری پژوهش

## روش تحقیق

هدف کلی تحقیق حاضر بررسی عوامل بهبود مدیریت توسعه روستایی شهرستان مشگین شهر است. پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های ترکیبی است که با استفاده از شیوه‌های کیفی و کمی انجام شده است. در مرحله نخست، عوامل بهبود مدیریت توسعه روستایی در محدوده مورد مطالعه از دیدگاه نخبگان محلی با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته شناسایی شد؛ بدین منظور، با ۳۵ نفر از ساکنان منطقه که دارای تحصیلات دانشگاهی با حداقل مدرک تحصیلی فوق دیپلم بودند، مصاحبه‌های جداگانه به عمل آمد. برای انتخاب افراد مصاحبه‌شونده، روش نمونه‌گیری گلوله برفی که یک شیوه نمونه‌گیری غیراحتمالی است، به کار گرفته شد. همچنین، برای تحلیل داده‌های به دست آمده از ۳۵ مورد مصاحبه، از روش کدگذاری باز استفاده شد؛ و بر اساس این روش، کدگذاری داده‌های مصاحبه در دو سطح کدگذاری اولیه یا سطح اول و کدگذاری سطح دوم یا متمرکز انجام پذیرفت. پس از کدگذاری سطوح اول و دوم، ۴۱ عامل تأثیرگذار بر بهبود مدیریت توسعه روستایی شناسایی شد. در مرحله دوم تحقیق، برای شناخت و تحلیل دیدگاه اجتماعات روستایی و میزان توافق نظری آنها با نتایج مرحله نخست، ۴۱ عامل شناسایی شده مبنای طراحی پرسشنامه به روش لیکرت قرار گرفت. گفتنی است جامعه آماری مورد مطالعه در پژوهش حاضر شامل کل روستاییان ساکن در مناطق روستایی شهرستان مشگین شهر بود (N=۹۰۳۵۹) که از آن میان، تعداد ۱۹۷ نفر با استفاده از رابطه کوکران به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. از آنجا که نوع روستاها از لحاظ اوضاع طبیعی در منطقه در سه دسته کلی روستاهای جلگه‌ای، کوهستانی، و جلگه‌ای-کوهستانی قرار گرفته بودند، طی بررسی‌ها مشخص شد که در سطح شهرستان مشگین شهر، در مجموع، ۸۱ روستای جلگه‌ای، ۱۴۴ روستای کوهستانی، و ۱۰۴ روستای جلگه‌ای-کوهستانی وجود دارد. بر اساس شاخص وضعیت ارتفاعی، تعداد نه روستا از نوع کوهستانی (۴۵ درصد)، پنج روستا از نوع جلگه‌ای (۲۵ درصد)، و شش روستا نیز از نوع جلگه‌ای-کوهستانی (۳۰ درصد) به شیوه نمونه‌گیری

تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ای بود که با توجه به اهداف تحقیق طراحی شد. روایی صوری پرسشنامه هم از سوی پانل متخصصان تأیید شده است. مطالعه راهنما در منطقه مشابه جامعه آماری با سی نسخه پرسشنامه صورت گرفت و با داده‌های به‌دست آمده و با استفاده از رابطه ویژه آلفای کرونباخ در نرم‌افزار SPSS، پایایی بخش‌های مختلف پرسشنامه ۰/۷۲ تا ۰/۸۱ به‌دست آمد. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شد. در بخش آمار توصیفی، با استفاده از آماره‌هایی نظیر فراوانی، میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات، به توصیف داده‌های پژوهش پرداخته شد؛ و در بخش استنباطی نیز مهم‌ترین روش آماری تحلیل عاملی بود. تحلیل عاملی تحلیل آماری از روش‌های چندمتغیره است که در آن، متغیرهای مستقل و وابسته مطرح نیست، زیرا این روش، از شیوه‌های هم‌وابسته است که در آنها، همه متغیرها نسبت به هم وابسته شمرده می‌شوند و تلاش می‌شود متغیرهای بسیاری در چند عامل خلاصه شوند (کلاتری، ۱۳۸۵: ۲۵۲).

## نتایج و بحث

### نتایج تحلیل توصیفی (اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر مدیریت روستایی)

به‌منظور تعیین مهم‌ترین عوامل بهبود مدیریت توسعه روستایی، میانگین رتبه‌ای نظر روستاییان محاسبه و اولویت‌بندی شد. برای اولویت‌بندی، از ضریب تغییرات (CV) استفاده شده که یک شاخص نسبی است و امکان مقایسه متغیرهای مختلف را فراهم می‌آورد. همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، از جمله متغیرهای تأثیرگذار در بهبود مدیریت توسعه روستایی از دیدگاه مردم محلی عبارت‌اند از عدم تداخل وظایف سازمان‌های دولتی، به‌کارگیری نیروهای توانمند روستایی در مسائل مدیریتی، مشارکت دادن مردم در تصمیم‌گیری‌های مربوط به روستاییان، و بهبود روش‌ها و اقدامات بر اساس دانش جدید.



جدول ۱- اولویت بندی عوامل بهبود مدیریت توسعه روستایی در منطقه مورد مطالعه

نمره	گویه	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
۱	عدم تداخل وظایف سازمان‌های دولتی	۵/۲۱	۰/۷۵	۴۱/۵
۲	به‌کارگیری نیروهای توانمند روستایی در مسائل مدیریتی روستا	۵/۱۸	۰/۶۷	۴۲/۴
۳	مشارکت دادن مردم در تصمیم‌گیری‌های مربوط به روستاییان	۵/۱۵	۰/۸۵	۳۱/۶
۴	بهبود روش‌ها و اقدامات بر اساس دانش جدید	۵/۱۱	۰/۳۴	۳۷/۴
۵	تمرکز بر عناصر و منابع بومی در فرآیند توسعه روستا	۵/۰۲	۰/۶۷	۴۱/۵
۶	ترجیح امور جمعی و عمومی بر منافع شخصی	۴/۸۸	۰/۵۸	۵۱/۶
۷	مشخص بودن دقیق شرح وظایف مدیران روستایی در عرصه عمل	۴/۷۵	۰/۶۴	۴۰/۲
۸	ترویج شکل‌گیری نهادهای مدنی	۴/۶۲	۰/۷۳	۲۵/۲
۹	تفویض اختیارات به واحدهای محلی	۴/۵۵	۰/۹۱	۳۹/۹
۱۰	تقویت نظام پاسخ‌گویی مدیریت روستایی در برابر مردم محلی	۴/۴۶	۰/۸۴	۵۴/۶
۱۱	وجود افراد متخصص و تحصیل کرده	۴/۳۴	۰/۴۶	۳۴/۸
۱۲	داشتن منابع مالی و اعتباری مستقل و عدم وابستگی به دولت در امور مالی	۴/۳۳	۰/۳۷	۳۹/۶
۱۳	ارتقای آگاهی مردم پیرامون ماهیت کارآیی طرح و پروژه‌ها	۴/۲۹	۱/۰۲	۳۶/۴
۱۴	جلب اعتماد روستاییان به مجریان توسعه روستایی	۴/۲۱	۰/۱۹	۴۳
۱۵	در اختیار داشتن بودجه کافی و اعتبارات عمرانی	۴/۱۹	۰/۳۴	۴۵
۱۶	رضایت شغلی مدیران محلی روستا	۴/۰۸	۰/۴۶	۵۱
۱۷	استقلال عمل مردم محلی و شورای روستا در انتخاب مدیر اجرایی روستا	۳/۹۹	۰/۲۸	۳۹/۳
۱۸	هماهنگی و تفویض میان سازمان‌های محلی و مرکزی	۳/۸۵	۱/۰۱	۳۱/۲
۱۹	دائمی و مستمر بودن فعالیت‌های مدیریت روستایی	۳/۷۲	۰/۶۱	۴۱/۱
۲۰	پذیرش تغییر و نوآوری	۳/۶۵	۰/۳۷	۴۶/۳
۲۱	تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی	۳/۵۹	۰/۲۲	۴۰/۵
۲۲	عدم تغییر کاربری روستا	۳/۴۸	۰/۸۸	۳۷/۸
۲۳	داشتن توانایی بازاریابی محصولات تولیدی	۳/۴۱	۰/۶۹	۳۵/۶
۲۴	عدم رواج خرده‌مالکی و حفظ یکپارچگی اراضی	۳/۳۱	۰/۳۹	۳۳
۲۵	مدیریت تولید در مناطق روستایی	۳/۲۵	۰/۴۴	۵۰/۵
۲۶	آموزش مداوم و مستمر	۳/۲۴	۱/۰۳	۲۸/۸

نمره	گویه	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
۲۷	تقویت انگیزش مدیران محلی با بالا بردن حقوق و مزایای آنها	۳/۱۹	۰/۸۴	۵۱
۲۸	حمایت کافی از افراد خلاق و نوآور	۳/۱۷	۰/۴۶	۳۴/۶
۲۹	رضایت از زندگی و کار در روستا و دسترسی به فرصت‌های برابر و یکسان	۳/۱۵	۱/۱۳	۴۵/۹
۳۰	داشتن نگاه آینده‌نگر و پرهیز از مسائل جاری و کوتاه‌مدت	۳/۱۱	۱/۱۵	۳۲/۵
۳۱	دسترسی اجتماعات روستایی به خدمات و نهادهای تولید	۳/۰۹	۱/۰۴	۴۳/۸
۳۲	نظارت مستمر	۲/۹۸	۰/۶۶	۴۱/۶
۳۳	کند شدن آهنگ مهاجرت روستائیان	۲/۸۴	۰/۶۵	۴۷/۸
۳۴	میزان پایبندی روستائیان به قوانین و مقررات وضع شده پیرامون مدیریت روستا	۲/۸۳	۰/۴۰	۳۵
۳۵	تقویت اعتماد به نفس و خودانگیزی	۳/۸۳	۱/۰۱	۴۰
۳۶	گسترش امکانات زندگی در روستا	۳/۶۴	۰/۳۱	۳۴/۶
۳۷	نظارت دقیق بر فعالیت‌های صنعتی روستا	۳/۵۸	۰/۹۹	۳۱/۴
۳۸	وجود نظام کارآمد کنترل و مدیریت با ماهیت درون‌زا	۳/۴۶	۰/۹۵	۳۲/۹
۳۹	وجود امکانات و تسهیلات آموزشی	۳/۳۳	۰/۷۳	۳۶
۴۰	برنامه‌ریزی هدفمند	۳/۲۴	۰/۷۱	۳۹/۵
۴۱	وجود امنیت	۳/۲۱	۰/۸۹	۳۱/۸

مأخذ: یافته‌های پژوهش

### نتایج تحلیل استنباطی

برای تعیین مهم‌ترین عوامل بهبود مدیریت توسعه روستایی شهرستان مشگین‌شهر، از تحلیل عاملی استفاده شد. محاسبات ارائه‌شده در جدول ۲ نشان می‌دهد که برای تعیین انسجام درونی داده‌ها برای بهره‌گیری از شیوه تحلیل عاملی، از آزمون KMO و بارتلت استفاده شد و در این بخش، مقدار KMO برابر با ۰/۹۱ و نیز آماره بارتلت برای تعیین عوامل بهبود مدیریت توسعه روستایی منطقه مورد مطالعه نیز برابر با ۱/۵۲۱ به دست آمد که در سطح یک درصد معنی‌دار بوده و بنابر این، داده‌های موجود برای تحلیل عاملی مناسب تشخیص داده شده است.

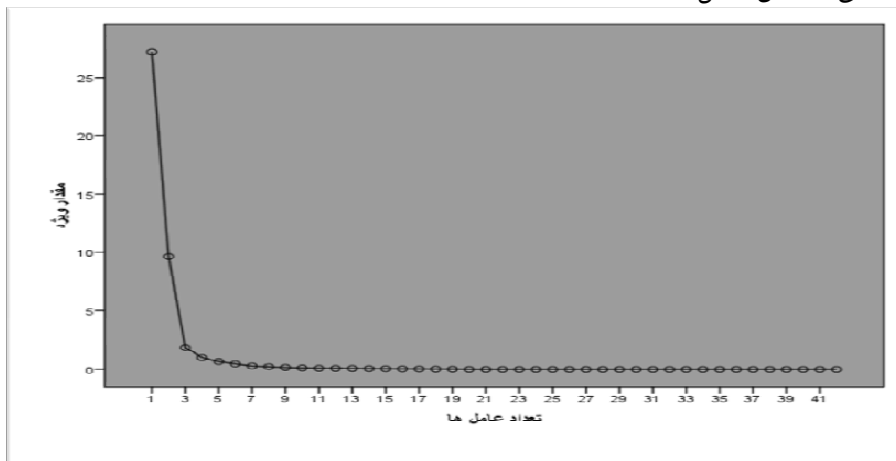
## جدول ۲- مقدار KMO و آزمون بارتلت

معنی داری	آماره بارتلت	KMO	تحلیل عاملی
۰/۰۰۰	۱/۵۲۱	۰/۹۱	عوامل بهبود مدیریت توسعه روستایی

مأخذ: یافته‌های پژوهش

پس از آن، همان‌گونه که در شکل ۲ آمده، برای تعیین عوامل، از نمودار سنگریزه‌ای مقدار ویژه و درصد واریانس استفاده شده است. بر این اساس، شش عامل شناسایی شدند که در مجموع، ۸۹/۹۳ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند.

در تحقیق حاضر، با توجه به ملاک کیسر، شش عامل دارای مقدار ویژه بالاتر از یک برای عوامل بهبود مدیریت توسعه روستایی شهرستان مشگین‌شهر استخراج و پس از چرخش عاملی به روش واریماکس، متغیرهای مربوط به عوامل بهبود مدیریت توسعه روستایی در شش عامل طبقه‌بندی شدند.



مأخذ: یافته‌های پژوهش

شکل ۲- نمودار سنگریزه‌ای برای تعیین تعداد عامل‌ها

### چرخش عامل‌ها و نامگذاری آنها (تحلیل عاملی عوامل بهبود مدیریت توسعه روستایی)

همان‌گونه که گفته شد، در پژوهش حاضر، برای تسهیل در تفسیر عامل‌ها و ساده کردن ساختار آنها، از چرخش عاملی از نوع واریماکس استفاده شده است. در جدول ۳، شش عامل استخراج شده همراه با مقادیر ویژه و درصد واریانس پس از چرخش آمده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در تبیین واریانس کل متغیرها عامل اول بیشترین سهم (۲۰/۳۱ درصد) و عامل ششم کمترین سهم (۹/۰۲) را دارد.

جدول ۳- عوامل استخراج شده با مقادیر ویژه و درصد واریانس پس از چرخش

عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
عامل اول	۹/۱۴	۲۰/۳۱	۲۰/۳۱
عامل دوم	۸/۸۹	۱۹/۷۷	۴۰/۰۸
عامل سوم	۶/۸۷	۱۵/۲۷	۵۵/۳۶
عامل چهارم	۶/۶۴	۱۴/۷۵	۷۰/۱۲
عامل پنجم	۴/۸۵	۱۰/۷۹	۸۰/۹۱
عامل ششم	۴/۰۶	۹/۰۲	۸۹/۹۳

مأخذ: یافته‌های پژوهش

همچنین، برای تعیین سطح معنی‌داری و بیان نقش هر متغیر در عامل مربوط، در پژوهش حاضر، متغیرهای دارای بار عاملی بیش از ۰/۴ مد نظر قرار گرفتند؛ نتایج نشان می‌دهد که تمام متغیرهای وارد شده دارای بار عاملی بیش از ۰/۴ بوده‌اند. در نهایت، بر اساس نتایج جدول ۴، متغیرهایی که در هر کدام از چهار عامل یاد شده قرار می‌گیرند، عبارت‌اند از:

**عامل اول:** وجود افراد متخصص و تحصیل کرده و ترویج شکل‌گیری نهادهای مدنی از جمله متغیرهای این عامل به‌شمار می‌روند. بار عاملی این متغیرها نشان می‌دهد که تمامی آنها با این

عامل همبستگی مثبت و بالا دارند که با توجه به متغیرهای این عامل، عنوان «تقویت ظرفیت‌های شناختی» برای آن برگزیده شد. این عامل با توجه به مقدار ویژه آن (۹/۱۴) که از تمامی عامل‌های دیگر بیشتر است، بیش از ۲۰/۳۱ درصد از کل واریانس را تبیین می‌کند.

عامل دوم: از جمله متغیرهای این عامل عبارت‌اند از وجود نظام کارآمد کنترل و مدیریت با ماهیت درون‌زا، و کند شدن آهنگ مهاجرت روستاییان. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، بار عاملی این متغیرها بین ۰/۴۳ تا ۰/۸۳ متفاوت است و تمامی متغیرها با عامل دوم همبستگی مثبت دارند. با توجه به ماهیت متغیرهای تشکیل‌دهنده، نام «تقویت نظارت و استقلال عمل مردم محلی» برای این عامل انتخاب شد که با مقدار ویژه ۸/۸۹، در مجموع، ۱۹/۷۷ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند.

عامل سوم: داشتن منابع مالی و اعتباری مستقل و عدم وابستگی به دولت در امور مالی از جمله متغیرهای این عامل به‌شمار می‌روند که با توجه به ماهیت متغیرهای تأثیرگذار، عامل سوم «تقویت زیرساخت اقتصادی» نامیده می‌شود؛ این عامل با مقدار ویژه ۶/۸۷، در مجموع، ۱۵/۲۷ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند.

عامل چهارم: از جمله متغیرهایی که در این عامل قرار می‌گیرند، عبارت‌اند از وجود امنیت، و تمرکز بر عناصر؛ بر این اساس، عنوان «بومی‌گرایی توسعه» برای این عامل برگزیده شده است که این عامل با مقدار ویژه ۶/۶۴، در مجموع، ۱۴/۷۵ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند.

عامل پنجم: از جمله متغیرهای این عامل عبارت‌اند از پذیرش تغییر و نوآوری، تقویت اعتماد به نفس و خوداتکایی که بر اساس آنها، عنوان «اعتمادسازی و رضایت‌مندی شغلی» برای این عامل برگزیده شده است؛ این عامل با مقدار ویژه ۴/۸۵، در مجموع، ۱۰/۷۹ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند.

عامل ششم: از جمله متغیرهایی که در این عامل قرار می‌گیرند، عبارت‌اند از عدم تداخل وظایف سازمان‌های دولتی و مشخص بودن دقیق شرح وظایف مدیران روستایی در عرصه عمل که بر اساس آنها، عنوان «حکمروایی مطلوب» برای این عامل برگزیده شده است؛ این عامل با مقدار ویژه ۴/۰۶، در مجموع، ۹/۰۲ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند.

#### جدول ۴- متغیرهای هر کدام از عوامل و بار عاملی به دست آمده از ماتریس دوران یافته

بار عاملی	متغیر	نام عامل
۰/۸۵	وجود افراد متخصص و تحصیل کرده	تقویت ظرفیت‌های شناختی
۰/۸۲	ترویج شکل‌گیری نهادهای مدنی	
۰/۹۲	به‌کارگیری نیروهای توانمند روستایی در مسائل مدیریتی روستا	
۰/۶۲	ارتقای آگاهی مردم پیرامون ماهیت کارآیی طرح و پروژه‌ها	
۰/۸۵	آموزش مداوم و مستمر	
۰/۷۶	وجود امکانات و تسهیلات آموزشی	
۰/۵۵	برنامه‌ریزی هدفمند	
۰/۵۹	داشتن نگاه آینده‌نگر و پرهیز از مسائل جاری و کوتاه‌مدت	
۰/۵۴	میزان پابندی روستاییان به قوانین و مقررات وضع شده	
۰/۶۷	وجود نظام کارآمد کنترل و مدیریت با ماهیت درون‌زا	
۰/۶۷	کند شدن آهنگ مهاجرت روستاییان	
۰/۴۶	نظارت مستمر	
۰/۴۹	عدم رواج خرده‌مالکی و حفظ یکپارچگی اراضی	
۰/۶۹	دائمی و مستمر بودن فعالیت‌های مدیریت روستایی	
۰/۸۰	استقلال عمل مردم محلی و شورای روستا در انتخاب مدیر اجرایی روستا	
۰/۴۳	عدم تغییر کاربری روستا	
۰/۷۷	نظارت دقیق بر فعالیت‌های صنعتی روستا	
۰/۸۳	مشارکت دادن مردم در تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور روستا	

بار عاملی	متغیر	نام عامل
۰/۶۷	داشتن منابع مالی و اعتباری مستقل و عدم وابستگی به دولت در امور مالی	تسهیل دسترسی به منابع و ارتقای شاخص‌های اقتصادی
۰/۵۹	در اختیار داشتن بودجه کافی و اعتبارات عمرانی	
۰/۶۳	تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی	
۰/۵۲	داشتن توانایی بازاریابی محصولات تولیدی	
۰/۵۱	مدیریت تولید در مناطق روستایی	
۰/۶۸	رضایت از زندگی و کار در روستا و دسترسی به فرصت‌های برابر و یکسان	
۰/۵۵	دسترسی اجتماعات روستایی به خدمات و نهادهای تولید	بومی‌گرایی توسعه
۰/۳۹	وجود امنیت	
۰/۸۶	تمرکز بر عناصر و منابع بومی در فرآیند توسعه روستا	
۰/۶۷	گسترش امکانات زندگی در روستا	
۰/۷۷	ترجیح امور جمعی و عمومی بر منافع شخصی	
۰/۵۹	حمایت کافی از افراد خلاق و نوآور	
۰/۴۷	پذیرش تغییر و نوآوری	اعتمادسازی و رضایت‌مندی شغلی
۰/۶۶	تقویت اعتماد به نفس و خوداتکایی	
۰/۸۷	تقویت انگیزش مدیران محلی با بالا بردن حقوق و مزایای آنها	
۰/۷۳	رضایت شغلی مدیران محلی روستا	
۰/۶۷	جلب اعتماد روستاییان به مجریان توسعه روستایی	
۰/۹۵	عدم تداخل وظایف سازمان‌های دولتی	
۰/۸۴	مشخص بودن دقیق شرح وظایف مدیران روستایی در عرصه عمل	حکمرانی مطلوب
۰/۸۹	بهبود روش‌ها و اقدامات بر اساس دانش جدید	
۰/۷۶	هماهنگی و تفویض میان سازمان‌های محلی و مرکزی	
۰/۷۶	تقویت نظام پاسخ‌گویی مدیریت روستایی در برابر مردم محلی	
۰/۷۲	تفویض اختیارات به واحدهای محلی	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مقاله حاضر به بحث و بررسی درباره عوامل بهبود مدیریت توسعه روستایی در مناطق روستایی شهرستان مشکین‌شهر پرداخته و همان‌گونه که نتایج توصیفی تحقیق نشان داده است، از بین عوامل بهبود مدیریت توسعه روستایی، عدم تداخل وظایف سازمان‌های دولتی و به‌کارگیری نیروهای توانمند روستایی در مسائل مدیریتی، به‌ترتیب، در رتبه‌های اول و دوم و عامل وجود امنیت در رتبه آخر قرار گرفته است. افزون بر این، در تحقیق حاضر، برای شناخت عوامل بهبود مدیریت توسعه روستایی در منطقه مورد مطالعه، ۴۱ شاخص به‌کار گرفته شده و داده‌ها با استفاده از مدل تحلیل عاملی تجزیه و تحلیل شده است؛ و با توجه به ملاک کیسر، شش عامل دارای مقدار ویژه بالاتر از یک برای عوامل بهبود مدیریت توسعه روستایی استخراج و پس از چرخش عاملی به روش واریماکس، متغیرهای مربوط به عوامل بهبود مدیریت توسعه روستایی در شش عامل طبقه‌بندی شدند. عامل اول با عنوان «تقویت ظرفیت‌های شناختی» با مقدار ویژه ۹/۱۴ بیش از ۲۰/۳۱ درصد، عامل دوم با عنوان «تقویت نظارت و استقلال عمل مردم محلی» با مقدار ویژه ۸/۸۹ در مجموع ۱۹/۷۷ درصد، عامل سوم با عنوان «تسهیل دسترسی به منابع و ارتقای شاخص‌های اقتصادی» با مقدار ویژه ۶/۸۷ در مجموع ۱۵/۲۷ درصد، عامل چهارم با عنوان «بومی‌گرایی توسعه» با مقدار ویژه ۶/۶۴ در مجموع ۱۴/۷۵ درصد، عامل پنجم با عنوان «اعتمادسازی و رضایت‌مندی شغلی» با مقدار ویژه ۴/۸۵ در مجموع ۱۰/۷۹ درصد، و عامل ششم با عنوان «حکمروایی مطلوب» با مقدار ویژه ۴/۰۶ در مجموع ۹/۰۲ درصد از کل واریانس را تبیین کرده‌اند؛ در این میان، عامل «تقویت ظرفیت‌های شناختی» در بالاترین رده و عامل «اعتمادسازی و رضایت‌مندی شغلی» در پایین‌ترین رده قرار گرفتند و مقدار واریانس و واریانس تجمعی تبیین‌شده توسط این شش عامل ۸۹/۹۳ برآورد شده است. این یافته با مطالعات فرجی سبکبار و همکاران (۱۳۹۲)، واکر و لووس (Walker and Lowes, 1997) و سینگ (Singh, 2004) مطابقت دارد. در نهایت، با استناد به نتایج تحقیق، پیشنهاد می‌شود که گسترش مطالعات پژوهشی در زمینه عوامل بهبود



مدیریت توسعه روستایی از طریق ترویج شکل‌گیری نهادهای مدنی، به‌کارگیری نیروی توانمند روستایی در مسائل مدیریتی روستا، آموزش مداوم و مستمر دهیاران و اعضای شوراهای اسلامی، وجود نظام کارآمد کنترل و مدیریت با ماهیت درون‌زا، مدیریت تولید در مناطق روستایی، رضایت از زندگی و کار در روستا و دسترسی به فرصت‌های برابر و یکسان، تقویت انگیزش مدیران محلی با بالا بردن حقوق و مزایای آنها، تقویت رضایت‌مندی شغلی مدیران محلی روستا، مشخص کردن شرح دقیق وظایف مدیران روستایی در عرصه عمل، بهبود روش‌ها و اقدامات بر اساس دانش جدید، هماهنگی و تفویض میان سازمان‌های محلی و مرکزی، تقویت نظام پاسخ‌گویی مدیریت روستایی در برابر مردم محلی و تفویض اختیارات به واحدهای محلی پیرامون مدیریت توسعه روستایی در سرلوحه برنامه‌های مسئولان و متولیان ذی‌ربط قرار گیرد. مطلوب است نگرش نظام‌مند درباره بهبود مدیریت روستایی در دستور عمل مدیران و مسئولان مرتبط با مدیریت توسعه روستایی قرار گیرد، چرا که چنین نگرشی به شناخت دقیق ابعاد پیچیده مدیریت کمک کرده و از این رهگذر، زمینه ایجاد تغییر مطلوب فراهم می‌شود؛ همچنین، روستاییان به عنوان ذی‌نفعان اصلی مدیریت روستایی از ارکان اصلی نظام محسوب می‌شوند که از طریق مشارکت آنها در فرآیند کلی مدیریت روستایی، می‌توان انتظار داشت بستر لازم برای شکوفایی و توسعه پایدار مناطق روستایی مهیا شود. افزون بر این، توصیه می‌شود سازمان‌دهی، بازآفرینی ساختاری- نهادی و مدیریت روستایی کشور با تشکیل سازمان‌های متولی مدیریت روستایی کشور در سطح ساختار کلان مدیریتی و ایجاد واحد مستقل و خودمختار مدیریت توسعه روستایی در سطح خرد در روستاهای کشور با وظایف شفاف و مشخص و لازم‌الاجرا در قالب مهم‌ترین راهبرد مدیریت توسعه روستایی کشور در کانون توجه قرار گیرد؛ و سرانجام، پیشنهاد می‌شود کلاس‌هایی برای آشنایی روستاییان با مزایای مشارکت و کاهش روحیه فردگرایی آنها در راستای مدیریت روستایی هر چه بهتر برگزار شود.

## منابع

- ایمانی جاجرمی، حسین و پوررجب، پیمان (۱۳۸۹)، «سنجش و تحلیل ویژگی‌های کارآفرینی دهیاران با تأکید بر عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آن (مطالعه موردی: دهیاران روستاهای شهرستان میاندوآب)». *فصلنامه پژوهش‌های روستایی*، سال ۱، شماره ۱، صص ۶۷-۹۸.
- ترنر، جاناتان و بیگلی، ال. (۱۳۸۴)، *پیدایش نظریه جامعه‌شناختی*. ترجمه عبدالعلی لهسایی‌زاده. شیراز: نوید.
- حبیب‌پور گنابی، کرم و صفری شالی، رضا (۱۳۹۰)، «بازخوانی تجربه مدرنیته روستایی در ایران (مطالعه موردی: روستاهای استان مرکزی)». *فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ۱۱، شماره ۴۱، صص ۷-۳۷.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ سجاسی قیداری، حمدالله؛ و عینالی، جمشید (۱۳۸۶)، «نگرشی نوبه مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تأثیرگذار». *فصلنامه روستا و توسعه*، سال ۱۰، شماره ۲، صص ۱-۳۰.
- شهبازی، اسماعیل (۱۳۸۹)، *درآمدی بر آسیب‌شناسی توسعه روستایی*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- عمادی، محمدحسین (۱۳۷۹)، *توسعه روستایی و مدیریت توسعه روستا و نقش شوراهای اسلامی در آن*. تهران: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی.
- فرجی سبکبار، حسن‌علی؛ بیات، ناصر؛ و قصابی، محمدجواد (۱۳۹۲)، «شناخت و تحلیل علل ناکارآمدی مدیریت روستایی از دیدگاه مردم محلی، مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان آران و بیدگل». *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، صص ۲۵۷-۲۸۰.
- کلانتری، خلیل (۱۳۸۵)، *پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی- اقتصادی*. تهران: شریف.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۸۸)، «مدیریت روستایی در ایران معاصر». *فصلنامه تعاون*، سال ۲۰، شماره ۲۰۲ و ۲۰۳، صص ۵۳-۵۴.
- مطیعی لنگرودی، حسن (۱۳۸۲)، *برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران*. مشهد: جهاد دانشگاهی.
- مهدوی، مسعود و نجفی کافی، علی‌اکبر (۱۳۸۴)، «دهیاری‌ها تجربه‌ای دیگر در مدیریت روستاهای ایران، نمونه موردی: دهیاری‌های استان آذربایجان غربی». *مجله پژوهش‌های جغرافیایی*، سال ۳۷، شماره ۵۳، صص ۲۱-۲۹.
- Miller, S. E. and Bently, J. (2001), *Rural Management: Problem Solving for the Long Term*. Ames, IA: University of Iowa.

- Ray, C. (2002), "Towards a theory of the dialectic of rural development". *Journal of Rural Studies*, Vol. 3: 345-362.
- Saraceno, E. (2000), "Recent trends in rural development and their conceptualization". *Journal of Rural Studies*, 10(4): 321-330.
- Singh, N. (2004), "Information technology and rural development in India". *Paper 563, Department of Economics*, University of California, Santa Cruz: 34.
- Walker, D. H. and Lowes, D. (1997), "Rural management: opportunities and challenges in the application of AI". *AI Applications*, 11(2): 41-51.